

خصوصی سازی نیازمند طرحی نو است

مشارکت کارگران در بنگاه؛ راهی برای افزایش بهره‌وری و بهبود معیشت



سهیم کردن کارگران در کارخانه‌ها به‌عنوان راهکاری برای افزایش بهره‌وری و همچنین کمک به معیشت کارگران همواره مطرح بوده است. در سال‌های اخیر که بحث واگذاری بخش دولتی شدت گرفته است، برخی عنوان می‌کنند که بهترین نوع واگذاری کارخانه‌ها و بنگاه‌های دولتی به کارکنان این کارخانه‌ها و بنگاه‌هاست. تلاش‌هایی هم در این زمینه صورت گرفته و طرح‌هایی مانند سهام عدالت در راستای مردمی سازی اقتصاد انجام شد. این طرح‌ها به دلیل شیوه اجرا و همچنین مخاطبانی که داشته تا حد زیادی با بحث مشارکت دادن کارگران در اداره کارخانه‌ها و بنگاه‌های اقتصادی متفاوت بوده و اگر چه ممکن است در مواردی به معیشت افراد کمک کرده باشد اما تاثیرات دیگر آن مورد توجه قرار نگرفته است.

با مشکلاتی که خصوصی سازی به وجود آورده است نظرات مختلفی درباره واگذاری درست و بدون هزینه بنگاه‌های دولتی مطرح می‌شود. یکی از مواردی که توجه کارشناسان را جلب کرده، استفاده از ظرفیت بخش تعاون است. در کنار این، موضوع سهام دادن به کارگران کارخانه‌ها نیز مطرح است. اتفاقی که در مواردی هم رخ داده است.

بسیست و سوم آبان ماه امسال «حسن صادقی» رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌خواهیم که واگذاری ۳۳ درصد سهام تریجی و واحدهای تولیدی را در دستور کار خود قرار دهند تا آنها مشارکت در تولید را به معنای واقعی در ذائقه خود حس کنند و واگذاری سهام تریجی به کارگران در گذشته‌های نه چندان دور و در دولت آقای هاشمی رفسنجانی کلید خورد و ما نیاز داریم تا بار دیگر این امر را به منظور ارتقای سطح رفاه کارگران احیا کنیم.

«احمد حاتم یزد» کارشناس اقتصادی در این باره می‌گوید: اگر سهام کارخانه‌ها به صورت واقعی به کارگران واگذار شود بهره‌وری افزایش می‌یابد. نظر من این است که مدیریت یک کارخانه باید مدیریت حرفه‌ای باشد. مدیر حرفه‌ای بیش از آنکه دنبال منافع کوتاه مدت سهام‌دار باشد، باید دنبال منافع بلندمدت واحد تولیدی باشد. این دو گاه با هم در تناقض قرار می‌گیرند. برای مثال شرکتی سودآور است. مدیر حق انتخاب دارد که آیا سودش را بین سهام‌داران تقسیم یا آن را در همان شرکت برای طرح توسعه سرمایه‌گذاری کند. در واقع مدیر باید

بین منافع آنی سهام‌داران با ارتقای فناوری تولید و سود بیشتر در آینده دست به انتخاب بزند.

در اینکه سهیم کردن کارگران در کارخانه‌ها امر مثبتی است تقریباً شکی نیست، اما اینکه شیوه اجرا در صورت باشد مهم است. در مشارکت در تولید باید در گام اول هدف را مشخص کرد. آیا قصد بر این است که از این طریق بهره‌وری کار و تعلق خاطر کارگران به محیط کارشان افزایش یابد یا هدف کمک به معیشت افراد است یا مجموعه‌ای از اهداف از جمله دو مورد بیان شده مدنظر است؟

«گشواد منشی‌زاده» کارشناس روابط کار درباره دادن سهام کارخانه‌ها به کارگران می‌گوید: بحث سهیم کردن کارگران در کارخانه‌هایی که در آن کار می‌یابند. نظر من این است که مدیریت یک کارخانه باید چنین بحثی مطرح بود. باید طرح‌های قبلی را بررسی کرد و دید که چقدر به اهداف خود رسیده‌اند و اگر قرار است بار دیگر کارگران سهام کارخانه‌ها را بگیرند باید چگونه این کار را صورت داد.

وی با تأکید بر اینکه دادن سهام به کارگران تجربه شده، می‌گوید: همین الان هم سهام عدالتی که داده شده به گونه‌ای دادن سهام کارخانه‌ها به افراد

وقتی سهام عدالت را بررسی می‌کنیم می‌بینیم هر چند ممکن است مواردی سودی به دارندگان سهام تعلق گرفته باشد اما مشارکتی در اداره کارخانه‌ها صورت نگرفته است.

این کارشناس روابط کار با بیان اینکه همواره یکی از اهداف دادن سهام به کارگران کارخانه‌ها افزایش بهره‌وری عنوان شده، بیان می‌کند: این اتفاق باید طرح‌های قبلی را بررسی کرد و دید که چقدر به اهداف خود رسیده‌اند و اگر قرار است بار دیگر کارگران سهام کارخانه‌ها را بگیرند باید چگونه این کار را صورت داد.

وی با تأکید بر اینکه دادن سهام به کارگران تجربه شده، می‌گوید: همین الان هم سهام عدالتی که داده شده به گونه‌ای دادن سهام کارخانه‌ها به افراد

وی ادامه می‌دهد: تاثیرگذاری طرح دادن سهام به کارگران تنها به این صورت ممکن است که تجدیدنظری اساسی در این کار شود. باید کارخانه‌هایی که می‌خواهند چنین کاری را انجام دهند مجمع عمومی برگزار کنند و درصدی از سهام برای مثال ۲۰ درصد آن را در اختیار کارگران بگذارند و سهام‌داران بتوانند بر مبنای سهم خود رای دهند و نقش آفرینی کنند.

به گفته منشی‌زاده، در صورت سهام‌دار بودن کارگران، در بهره‌وری نیروی کار تاثیر می‌گذارد و فرد حس کند که تعلق خاطر دارد و بخشی از کارخانه مال اوست. چنین کاری تمام توان خود را می‌گذارد تا کارخانه به بیشترین سود بهره‌وری برسد.

وی می‌گوید: دادن سهام به کارگران مربوط به بخش دولتی است و قاعدتاً بخش خصوصی را نمی‌توان مجبور به چنین کاری کرد. در کارخانه‌های دولتی باید مجمع برگزار شود و افراد سهام با نام بگیرند. حتی ممکن است عنوان شود که سهام پولی به افراد داده شود. چنین چیزی هم اشتباه نیست اما به شرطی که عرضه و ارائه سهام شفاف باشد می‌توان از کارگران خواست سهام جایی را که کار می‌کنند بخرند. البته اگر دولت قصد حمایت دارد می‌تواند یارانه‌ای برای این کار بدهد، یعنی برای مثال عنوان شود افراد برای خرید سهام کارخانه خود کمتر از ارزش واقعی سهام پول بدهند.

این کارشناس روابط کار تأکید می‌کند: باید از تجربه دوباره طرح‌های صوری اجتناب کرد. آنچه را قبلاً آزموده‌ایم نباید دوباره امتحان کنیم. بهبود معیشت اقشار ضعیف از جمله کارگران نیازمند اجرای طرح‌هایی ابتکاری است یا لاقابل باید طرح‌هایی که قبلاً اجرا شده‌اند، آسیب‌شناسی شده و درست اجرا شوند.

ارائه سهام: راهکاری برای تقویت معیشت کارگران

ترمیم معیشت کارگران موضوعی است که در دستور کار دولت و همچنین فعالان کارگری بوده است. طرح‌های مختلفی در این زمینه ارائه می‌شود؛ از دادن سبدهای غذایی گرفته تا حق

وقتی کارگران جایی که در آن سهام دارد، سود ببرد با علاقه بیشتری کار می‌کنند و مشکلات مربوط به مجموعه کاری را مشکلات خودشان می‌دانند. چنین کاری می‌تواند امکان است از سود خود بگذرد تا خط تولید جدیدی راه بیفتد

مسکن و افزایش حقوق. بی‌شک یکی از راه‌های مناسب برای بهبود معیشت کارگران سهیم کردن آنها در کارخانه‌های تولیدی است. وقتی کارگران جایی که در آن سهام دارد سود ببرد با علاقه بیشتری کار می‌کنند و مشکلات مربوط به مجموعه کاری را مشکلات خودشان می‌دانند. چنین کاری می‌تواند امکان است از سود خود بگذرد تا خط تولید جدیدی راه بیفتد و ضمن اینکه از تعدیل نیرو جلوگیری می‌شود. افراد بیشتری هم امکان کار پیدا کنند. در این بین البته معیشت کارگران نیز مدنظر است. اینکه برای کمک به معیشت کارگران کمک‌های موردی مانند پاداش پایان سال یا پاداشی برای اعیاد داد کافی نیست. چنین کمک‌هایی مشکل زیادی حل نخواهد کرد، بلکه باید کمک‌ها و حمایت‌ها به گونه‌ای باشد که کارگران بتوانند روی آن حساب کنند. دادن سهام کارخانه‌ها به کارگران اتفاقی است که در مواردی رخ داده و تجربه آن را داریم. مشکل اساسی این است که این نوع حمایت‌ها شبیه همان حمایت پایان سال شده است. فرد سهام‌دار ممکن است در آخر سال سودی بابت دارایی خود بگیرد، حال آنکه کار اساسی این است که کارگران به ازای سهامی که دارند در تصمیم‌گیری‌ها نقش نیز داشته باشند. کارگران باید بتوانند اعضای هیات مدیره انتخاب کنند و در مورد تصمیمات اساسی مستقیماً نظر خود را اعلام کنند. جز تغییر سازوکار، اعتماد کردن به کارگران نیز مهم است. باید این رویکرد به وجود آید که کارگران بهتر از هر کس دیگری منافع خود را می‌شناسند و بهترین تصمیمات را می‌گیرند.

یادداشت

نجات به شیوه تاجر بسم؛ دروغ بزرگ

ناصر آقاچری، فعال کارگری

هنوز هستند اقتصاددانانی که از رویکردهای تعدیلی دولت دفاع می‌کنند. برای این اقتصاددانان آن چیزی که اهمیت دارد، بهبود شاخص‌های آماری است که صندوق بین‌المللی پول، بهبود آنها را در اولویت قرار می‌دهد، نه مردم، به خصوص کارگران. در مناسبات اقتصادی، کار و ابزار کار، تنها وسایل و ابزاری هستند مصنوع انسان و مولد نعمت مادی، برای ایجاد آسایش و رفاه نه استعمار و بهره‌کشی انسان از انسان. ولی این روشنفکران تئوری زده سرمایه‌داری، مناسبات اقتصادی و تئوری‌های ذهنی خاصی را در اولویت قرار می‌دهند؛ تئوری‌هایی که در عمل با بحران‌های دوره‌ای که ناشی از سرشت آنهاست و خود بدان اقرار می‌کنند و با ایجاد جنگ‌های جهانی برای تقسیم بازار و عقب راندن جهان توسعه نیافته، آن‌ها را با ده‌ها میلیون کشته و نابودی سزیم‌ها، عدم کارایی خود را اثبات کرده‌اند. اینها با اوارنه کردن حقیقت و واقعیت‌ها به شیوه ماکیاویلیستی، در جست‌وجوی ترندیدی برای اثبات درستی نظریه‌های تئوری‌آلی هستند. نگاه این آدم‌ها به دوران تاجر در بریتانیا یک کبیر که بازار آزاد تمام اقتصاد را قبضه کرد و کارگران عقب رانده شدند، این گونه است: «هم نیست که کارگران چه می‌گویند مهم این است که تاجر، اقتصاد بحران زده انگلیس را نجات داد». این نجات اقتصادی (نجات توسط تاجر بسم) اگر واقعیت داشته باشد که ندارد و تنها یک دروغ تئوری‌آلی است، باید بیان کنند چگونه عملی شده و به چه قیمتی صورت گرفته است؟ در ضمن باید بیان کنند عامل ورشکستگی اقتصاد انگلیس، کدامین اختار اقتصادی بود؟ برخلاف نظر به‌ها و رویکرد این‌دست از اقتصاددانان، در دوران تاجر، رشد اقتصادی نسبت به دوران اقتصاد کینزی یا دولت رفاه، درصد پایین‌تری را نشان می‌دهد. در دولت کینزی با توجه به هزینه‌های دولت برای رفاه مردم و بدون در آمد نفتی ناشی از کشف نفت در بای شمال، متوسط رشد اقتصادی ۱.۴ درصد بود در حالی که در دوران تاجر و با توجه به درآمد نفت در بای شمال و حذف هزینه‌های دولت رفاه، این شاخص ۲.۹۹ درصد شده بود. تاجر مالیات‌های ثروتمندان را که ۸۲ درصد بود به ۴۰ درصد کاهش داد و مالیات مصرف‌کنندگان را که ۱۸ درصد بود، به ۱۵ درصد رساند. در واقع این نماینده تئوری‌آلی، با ارقام اقتصادی را به دوش کارگران و حقوق بگیران انداخت.



متأسفانه از نظر این اقتصاددانان، اهمیتی ندارد که نظام سرمایه‌داری برای حفظ موقعیت خود معیارهای خودش همچون تظاهر به ضرورت وجود سندی‌ها و رانندیده‌گویی و باسبر کوب اتحادیه‌های کارگری، سیاست‌های دست‌راستی خود را کاربردی کند و بحران اقتصادی را که همین نظام سرمایه‌داری ایجاد کرده، از جیب کارگران جبران کند. در همین زمینه، وارونه‌نمایی خصوصی‌سازی‌های صورت گرفته در کشورهای پیشرفته توسط راستی‌های وطنی، فقط برای مجاب کردن مخاطبان به راهکارهای تعدیلی و ضد کارگری است همان گونه که در باره خصوصی‌سازی در انگلیس واقعیت‌ها را وارونه بیان می‌کنند. انگلیس یک کشور سرمایه‌داری است، لذا در آن مالکیت دولتی وجود ندارد که خصوصی‌سازی را بتوان اعمال کرد. دولت سرمایه‌داری انگلیس، شرکت‌های ورشکسته‌ای را که سرمایه‌دار به بحران کشانده بود، برای نجات نظام سرمایه‌داری در اختیار می‌گرفت و با سرمایه ملی که به همه مردم تعلق داشت، تکنولوژی آنها را مدرن می‌کرد و زمانی که به سوددهی می‌رسیدند، آن‌ها را به بخش خصوصی واگذار می‌کرد تا سود آن به جیب سرمایه‌داری برود نه مردم، و الا در مناسبات سرمایه‌داری، اقتصاد دولتی نداریم که دولت تصمیم بگیرد اقدام به خصوصی‌سازی آن کند. در واقع دولت‌های سرمایه‌داری، بحران‌هایی را که ساختار بیمارشان ایجاد می‌کند، با فشار به کارگران و حقوق بگیران جبران می‌کنند و زمانی که این راه هم پاسخ ندهد، به جنگ متوسل می‌شوند، مانند همه جنگ‌های جهانی و منطقه‌ای که سرمایه‌داری بنیانگذار آن بوده است. البته در فرمول‌بندی‌های آکادمیک، ساختار نظریه‌های لیبرالیسم و هم تئوری‌لیبرالسم در ظاهر بدون نقص هستند و قوانین بازار به اصطلاح آزاد (عرضه و تقاضا) بدون نقص عمل می‌کنند ولی در عمل، کاستی‌های این ساختار، به صورت بحران‌های دوره‌ای، جهان را به‌سوی جنگ می‌کشاند.



معاون اشتغال و وزیر کار درباره راه‌اندازی سازمان اشتغال ایرانیان نیز گفت: با وجود آنکه طرح آماده راه‌اندازی است ولی با یک سری محدودیت‌ها مواجهیم که امیدواریم بتوانیم هر چه سریع‌تر مدیریت و سامانه را راه‌اندازی کنیم.

بهبود فضای کسب و کار نیازمند اتصال به بازارهای جهانی است

معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی:

معاون اشتغال وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی معتقد است بخش قابل توجهی از فضای کسب و کار تحت تاثیر اتصال به بازار جهانی است و هر چه فضای تعامل و ارتباطات بین‌المللی اقتصاد بیشتر شود فضای کسب و کار کشور نیز بهبود می‌یابد. عیسی منصور می‌گوید: گفت‌وگو با ایسنا، درباره دلیل ارتقای رتبه جهانی کسب و کار ایران دو مساله وجود دارد. اول اینکه مافکر می‌کنیم علاوه بر اقدامات کلی که برای بهبود فضای کسب و کار به صورت عام صورت می‌گیرد زمان آن رسیده که ذیل سیاست‌های انتخابی، فضای کسب و کار اختصاصی رشته‌ها را بهبود بخشیم. وی ادامه داد: مثلاً وقتی می‌گوییم صنعت منسوجات و پوشاک جزو رشته‌های منتخب ما است باید فضای کسب و کار اختصاصی این رشته را بهبود بخشیم و این کار بعد از اینکه سیاست مذکور به تصویب رسید دنبال خواهیم کرد. معاون توسعه کار آفرینی و اشتغال وزیر کار افزود: دوم اینکه بخش قابل توجهی از فضای کسب و کار تحت تاثیر اتصال به بازار جهانی است و به دلیل محدود شدن این ارتباط و اتصال، عملاً تقاضای بخش خصوصی برای بهبود و باز خوردی که به بخش

نماینده کارگران دستمال نوظهور خبر داد:

اجاره کارخانه برای پرداخت معوقات نیروی کار

شرکت «دستمال نوظهور» مشابه ده‌ها واحدهای خصوصی شده دیگر، در ابتدا شاهد پایین آمدن سطح تولید بود و بعد از آن، همه سازوکار روابط کار دچار اختلال شد.

به گزارش ایسنا، کارگران دستمال نوظهور از میانه سال ۹۶ بیکار شدند. در آن زمان با تعطیلی کارخانه، کارگران برای دریافت مطالبات انباشته خود که یک سال دستمزد برای شاغلان و سنوات بازنشستگان بود، راهی مراجع قضایی شدند. «علیرضا هوشمند» که قبل از

معیاری کارخانه، عضو شورای اسلامی کار این واحد تولیدی بود و اکنون نیز نماینده کارگران در دادگاه است. در ارتباط با سرنوشت کارگران نوظهور بعد از تعطیلی می‌گوید: قبل از تعطیلی حدود ۳۰۰ کارگر بودیم که بعد از آن، به زحمت به ۱۰۰ نفر می‌رسیدیم. فصلی قرار دادی‌ها رفتند و این کارخانه حدود ۷۰ کارگر رسمی داشت که همه آنها حدود یک سال معوقات مزدی پرداخت نشده دارند.

هوشمند از سرنوشت مطالبات کارگران بعد از طرح دعوا در مراجع قضایی خبر

تا بلکه بتوانند آن را سرمایه‌گذاری کنند و از این شرایط ناگوار نجات یابند.

هوشمند می‌گوید: نفهمیدیم چرا تولید کارخانه تعطیل شد. ما کارگران رسمی سازمان صنایع ملی بودیم. این شرکت ابتدا دولتی بود و اوضاع آن خیلی خوب بود. حتی به هر کارگر حدود ۳۰۰ سهام کارخانه را داده بودند اما از ابتدای دهه ۹۰، کارخانه خصوصی شد و مصیبت ما از آنجا شروع شد. او می‌گوید: مسئولان باید به داد کارگران نوظهور برسند. برند نوظهور و کارخانه آن، ۶۰ سال سابقه دارد. چرا باید به این سادگی حق بیمه‌ها دو سال است که پرداخت نشده و کارگران و خانواده‌هایشان در این شرایط اقتصادی، دفترچه بیمه ندارند. بازنشستگان هم سنوات خود را نگرفتند

می‌دهد: در سال ۹۶، دادگاه اجازه توقیف اموال داد. پس از آن اجازه داد که شرکت را اجاره بدهیم و از محل اجاره، مطالبات کارگران را به تدریج پرداخت کنیم. حالا شرکت را ماهی ۱۲۲ میلیون تومان به یک موزاییک‌سازی اجاره داده‌ایم و با این پول، معوقات مزدی کارگران به تدریج پرداخت می‌شود. با این وجود کارگران هنوز حدود یک میلیارد تومان از شرکت طلبکارند.

وی تأکید می‌کند: شرکت را به موزاییک‌سازی اجاره دادیم

